

« جریده باختر امروز »

نشرة

منظمات الجبهة الوطنية الایرانية
في الشرق الاوسط

العدد العشرين السنة الثانية

المرحلة الرابعة

تشرين الثاني ۱۹۷۱

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی

کشور سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش خاورمیانه)

هنوز خون ه مبارز انقلابی گروه « ارمان خلق » خشک نشده است ، گروه ۳۷ نفر ، مفتاحی ، شهین کریمی اشرف الاندیری و مستوره احمدزاده و هزاران مبارز دیگر در زند انهای شاهندو این وظیفه ان عدهای که در بند نیستند و هنوز امکاناتی دارند است که بدفاع از انها بعنوان يك وظیفه بشگرند .

نیمه اول آذر ماه ۱۳۵۰

دوره چهارم

سال دوم

بحران فلسطین

خاور میانه آستان حوادثی است . حوادثی که در تعیین وضع سیاسی این منطقه و جهان تأثیرات عمیقی خواهد داشت . سر نوشت يك نهضت و آینده بسیاری از نیروهای مترقی خاور میانه ، لا اقل برای مدتی چند ، در گرو تصمیماتی است که قرار است طرف یکی دو هفته آینده در این منطقه گرفته شود . نقطه ظهور تضاد ها ، کنفرانس جدو و وزرای خارجه عرب است . جنبش فلسطین پس از چند سال رشد سریع و وسیع ، از یکسال و نیم پیش مواجه با اشکالات متعدد ، از نظر ایدئولوژیک و نظامی شده است . مآدر شماره های گذشته مکرر از وضع جنبش ، مواضع حکومت های عربی ، نقشه های ارتجاع و امپریالیسم صحبت کرده ایم . اکنون بنظر میرسد که لحظه بحرانی فرا رسیده و آرایش نیروها در مقابل هم بوضوح روشن شده است .

سازمانهای مختلف متشکله جنبش فلسطین صرفنظر از اسم یا عنوان خود هر يك « جبهه هائی » هستند که افراد مختلف با ایدئولوژی های نا همگون را در بر میگیرند . نگاهی بترکیب عناصر همه این سازمانها از وسیع ترین آنها (بقیه در صفحه ۲)

عمال ظلمه !

فرصت طلبان سودجو نمیتوانند مردم را بفریبند - خلق این عاملین مزدور را ر سبب فساد و مبارزه با آنها را از مبارزه با شاه و اربابانش جدا نمیدانند .

تحت مضمیفه گذاشتن افرادی که از خود شخصیتی نشان داده بودند گردید طبعاً شامل حال پناهیان نشد . او توانست همپای تغییرات مکرر در سیاست شوری خود را حفظ کند .

مراد رزم آور ، عضو اخراجی حزب دموکرات کردستان ، وابستگی بدستگاه اداری حکومت شوری از این م بیشتر است و علنی تر .

این دو ، هنگامی که بختیار زنده بود بدون کوچکترین تزلزل بخدمت وی در آمدند تا باصلاح از « فرصت طلایی » موجود استفاده کنند و سپس با اقدامات دیگری دست زدند که فقط مربوط به استفاده جوئی شخصی نبود بلکه مشخص شد که قدرتی که آنها را باین نواحی گسیل داشته با ارتکاب اعمالی قصد دارد که به جنبش ایران و این منطقه صدمه بزند . همیشه عده ای مانند نیکخواه و دیگران برای دفاع علنی از حکومت شاه پیدا میشوند و رسالت آنها هم معلوم (بقیه در صفحه ۲)

بر مرحله از جنبش خصائص خود را دارد و از جمله این خص امهیت شرکت کنندگان در آن است . مبارزین آن کسو و فرصت طلبان حرفه ای از سوی دیگر .

اگر این حکم صادق است که مبارزین هر دوره خصائل ص دارند و دلیل شرکتشان در مبارزه وابستگی بی و درجه آگاهی سیاسی آنان است ، فرصت طلبان زنید آزادند ، چه فرصت طلب را « مکتبی » نیست ملی و اصولی داشته باشد . همه جا عرصه جولان اوست ، جاهت و هیچ جا نیست ، در همه چیز شریک است و هیچ چیز نیست . بهر رنگی که اوضاع بطلبد در می آید چه برایش مطرح نیست کاری است که برای جنبش شد . اصل قضیه منافعی است که او از آن می خواهد اعلام بد . يك روز قدره می بندد ، يك دم نوای دوستی در ساختند ، يك لحظه برق شمشیرهایش را برخ میکشد و لحه ای بی بر آغوش اشتیاق می گشاید . اگر اوضاع بوقی مراد در

ده است که چه بهتر و اگر هم نشد زیاد مهم نیست ، زمان دیگر اعلامی دیگر و پرنگی دیگر اندر میشود . نوعی دیگر اکثریت در می آید . خدمت اربابی که گهاشگان مطیعش وز در آغوش نکند . بدستور او باین سو و آن سو ، باین کشور کشور میرود . سر یکی را زیر آب میکند و دیگری

۳۰ روز سیاه مینشانند ، سومی را فراری میکند و چهارمی زندانی . این نوع افراد ، این قهاس خاص از فرصت طلبان مزد با کساد را میگویند عمل ظلمه . شناختن آنها نه از آن جهت مقام شخصیتی در خور شناسائی دارند بلکه از نظر هشدار ن خاور میانه مترقی برای جلوگیری از خرابکاری های آنها ری است چه سکوت در مقابل جنایت بنزله شرکت ت رزان است .

است هنگامی که مادر خاور میانه شروع به فعالیت کردیم قوی بود خونخواری بنام بختیار روبرو بودیم که از هیچ انسوی بقدان برای تهدید و ارعاب ما خود داری نکرد . چند ماه جوان از کشته شدن وی کسانی که خود را در زیر بال و پر تند که برکت بودند شروع بجولان کردند و از این میان محمود بر جهان بان و مراد رزم آور با پشتیبانی که از طرف شوری شاه بودند توانستند محیط را آلوده کنند .

محمود پناهیان از جمله افسرانی است که پس از اشغال مترقی ایمان توسط قوای شوری به تبریز رفت و از فرقه اسیران درجه ژنالی گرفت ، و پس از شکست این فرقه جبهه آزادی گریخت . تصفیه های مکرری که در شوری محدود گرفت و منجر به کشته شدن پیشه وری و تبعید و یا

۳۷ مبارز انقلابی



فتح اله ارزنگ
خامنهای



محمود عسکری

خلق قهرمانان در بند خود را فراموش نمیکند و برای نجات آنان از زندانهای شاه مبارزه خواهد کرد .

مسئله وجود گروه های مبارز انقلابی امروزه در ایران انقلابی دیگر شتافتند و توانستند تشکل هائی بوجود آورند بعنوان يك خصیصه شناخته شده جنبش مورد تأیید دوست و دشمن است . پس از نابود شدن احزاب و سازمانهای سنتی بعلت خفقان شدید و عدم کفایت رهبری سازمانها در درک نیازهای جدید جنبش و تطبیق خود با شرایط مبارزاتی جدید ، نهضت وارد مرحله نوینی شد که در آن مبارزینی که متعذر بسختی شرایط خانه نشین نشده بودند - بجهتجوی رفقای مبارز و

این حق مسلم تودو هست که خشونت مبراهم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

اعلامیه آیت الله خمینی

بسمه تعالی

خدمت عموم طبقات ملت محترم ایران ایدهم الله تعالی

۲۳ شهر صیام / ۹۱

پس از اهداء سلام و تحیات

کراراً تذکر داده‌ام که تنها چیزی که میتواند سد راه اجانب و دول استعمارگر باشد، و نکذارد سلطه بر ذخان ممالک اسلامی پیدا کنند اسلام و علماء جلیل اسلام است. این حقیقی است که در طول تاریخ برای دول استعمارگر ثابت شده است. از نخست وزیر اسبق خبیث دولت استعمارگر انگلستان نقل شده است که تا قرآن بین مسلمین است ما نمیتوانیم در مقاصد خود پیشرفت کنیم. هدف اصلی دولت‌های استعمارگر بحو قرآن، اسلام و علماء اسلام است و برای وصول باهدف استعماری خود هر چند نغمه‌ای را بوسیله عمال خبیث خود آغاز میکنند و چهره ضد اسلامی وضد ملی آنها را ظاهرتر میسازند، چنانکه اخیراً نغمه سپاه دین را از خلقوم کشیف یکی از عمال سرسپرده خود آغاز کرده‌اند، نغمه سپاه دین در شرائطی ساز میشود که دستگاه جبار هرروز ضربه‌های پی‌گیری به پیکره اسلام وارد میکنند و دست جنایتکار اسرائیل را در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران باز گذاشته است، بسیاری از علماء اعلام، خطباء عظام، محصلین علوم اسلامی و ملت شریف ایران در زندان، تبعید و تحت شکنجه بسر می‌برند و جوانان غیور وطن خواه اعدام و تیر باران میشوند. و با مقدمات عاکنه و اعدام آنها فراهم میشود.

اینجانب بملت محترم ایران اعلام خطر میکنم که اگر خدای نخواستہ ایادی اجانب و دشمنان اسلام در این مقصد شوم و کمر شکن توفیق پیدا کنند اولاً علماء اعلام و وعاظ و مروجین اسلام را کنار زده و ثانیاً اسلام و احکام آسمانی آنرا محو و نابود مینمایند، خطر این سپاه نامیمون که باید در خدمت استعمار، جمیع حقائق اسلام را بنبفع آنها توجیه و تأویل کند بزرگترین خطریست که مسلمین و در رأس آنها علماء اعلام با آن مواجه شده‌اند. آنها در تجربه‌های طولانی خود فهمیدند که علماء معظم اسلام و وعاظ محترم با مجاهدات پیکر خود ملتها را بنبفع اسلام و قرآن سوق داده و هیچگاه با تهدید و تلمیح بنبفع دستگاه جبار و اجانب چپالوگر قدمی برنداشته‌اند و با کمال قدرت پست‌های خود را حفظ کرده و مساجد و مجامع را در خدمت قرآن کریم و اسلام عزیز در دست دارند و اگر چند نفر معتم بی حیثیت و از خدا بی خیر بنبفع دستگاه جبار قدمی بردارد مطرود جامعه علمیه و جوامع اسلامی است لهذا این نقشه خطرناک را کشیده‌اند تا ببخیال باطل خود دست علماء اعلام و مبلغین را کوتاه کرده و اسلام را بوسیله عمال خود بازبچه قرار دهند و اساس دینت را برچینند تا بمقصد خود که قبضه کردن تمام ذخائر کشور است برسند و ملت مسلم را عقب مانده و استعمار زده نگهدارند.

باید ملت اسلام بدانند خدمت‌هایی که علماء دین بکشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده‌اند قابل شمارش نیست در همین اعصار اخیره نجات کشور از سقوط قطعی مرهون مرجع وقت (مرحوم میرزای شیرازی) و همت علماء مرکز بود، حوزه‌های علمیه و علماء اعلام همیشه حافظ استقلال و تمامیت ممالک اسلامی بوده‌اند خدمت‌هایی را که با الهام از اسلام برای آرامش و حفظ انتظامات کشورها کرده‌اند عسری از اعشار آنرا دولت‌ها و قوای انتظامی نکردند با آنکه هیچ تحمیلی بر بودجه مملکت نداشته‌اند. در نظر اجانب و عمال خائن آنها باید این سنکر شکسته شود تا با خیال راحت بتاخت و نواز و چپاول و غیاشی بزندگانی تنگین خود ادامه دهند.

اینک بر مسلمین غیور و خصوص نسل جوان روشنفکر است که با کمال جدیت از این نغمه ناموزون خانمانسوز اظهار تنفر کند و مساجد و محافل دینی را هر چه بیشتر کرم کنند و علاقه خود را به اسلام و علماء اعلام و وعاظ و خطباء محترم دامت برکاتهم بیش از پیش ابراز نمایند و با این اظهار علاقه مشتی محکم بدهان عمال استعمار خذلهم الله بگویند، بر کافه علماء اعلام و وعاظ محترم است که اگر کلابه‌هایی از هم دارند نادیده گرفته و خود را بجهز نموده، صفوف خود را فشرده تر کرده و در صف واحد در این امر حیاتی چاره جوئی کنند و بر آنان و سایر دانشمندان و علاقه مندان با اسلام و استقلال کشور است که ملت مسلمان خصوصاً ساکنین قراء و قصبات را از این فکر شیطانی که با نام فریبنده سپاه دین میخواهند دین و استقلال کشور را پایمال کنند آگاه سازند و با هروسیله ممکن مفاسد این نغمه شوم را بمردم برسانند.

اینجانب از نسل جوان اهل علم و منبری تقاضا دارم بطبقه بزرگان و علماء احترام شایسته نمایند و از حضرات اعلام تقاضا دارم که با نسل جوان با مبرم و عطوفت رفتار فرمایند. رجاء واثق است که با خواست خداوند متعال عمال خبیث اجانب در این امر نیز مثل سایر کارهای ضد اسلامی وضد انسانی در پیشگاه ملت با شرافت ایران ایدهم الله تعالی مفتضح تر شوند، خداوند تعالی حافظ دین و حوزه‌های دینی است. انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون از خداوند متعال قطع ایادی استعمار و عامل خائن آنرا خواهانم والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

۳۷ مبارز

نشان، بدون تظاهر، بدون شعار باقی در بین مردم انجام میدهند. رژیم حرکت و جنبش را می‌بندد ولی از درک مبدا آنها عاجز است، مبینند که عملیاتی در نقاط مختلف بر حسب نقشه دقیق انجام میگردد ولی نغیداند چه کسانی، چه سازمانی و چه گروهی در کار است. دیوانه وار هر جنبنده را می‌گیرد، شکنجه میدهد ولی در اکثر موارد قادر بکشف شبکه هانمیشود و یا اگر شبکه ای را کشف کرد خیال میکند کار مخالفین تمام شده، سفیهانه غریب شادی میکشد، مقام امنیتی را سراغ رادیو و تلویزیون میفرستد که فاتحه مبارزه را بخواند. ولی هنوز نفس تازه نکرده ضربه محکم دیگری بسرش میخورد و این جریان هر روز بنحو شدیدتری ادامه می‌یابد.

رژیم وقتی در ۶ مرداد ۴۹ با همکاری انتلیجنت سرویس و پلیس دومی موفق به دستگیری ۶ روشنفکر انقلابی شد کار آنها را تمام شده فرض کرد. خواست آنها را بایران ببرد تا نابود شان کند ولی ۳ نفر دیگر از هم پیمانان استوارشان بکک انقلابیون شتافتند و هواپای آنها را منحرف کردند. دولت فریاد برآورد که اینان قاچاقچی هستند و بانواع حیل و اقسام فشار متوسل شد تا آنها را باز ستاند ولی وقتی موفق نشد باز خیال کرد قضیه تا حدی بخوبی تمام شده است چون وجود این مبارزین را خارج از ایران کم خطر میدانست غافل از آنکه همانسان که جای ماهی در دریاست، عرصه کار مبارزین انقلابی نیز دریای پر خروش مبارزه است، در میان انبوه مردم و در کنسار خلق است و چنین بود که این فرزندان غیور خلق، ابن والاترین پویندگان راه دلاورانی که همه چیز خود را در راه خلق گذاشته اند بی محابا پیمان مردم خویش باز گشتند، نه چوبه دار آنها را ترسانند و نه آتش جوخه اعدام. روشنفکرانی بودند که از میان خلق برخاسته و بسوی خلق باز شتافتند هیچ یک از آنها تا روزی که گرفتار شدند لحظه‌ای از مبارزه بی‌امان خود دست نکشیدند. دولت که خیال میکرد با ۹ نفر فراری روبروست تاکنون

۳۷ روشنفکر را در رابطه با آنها دستگیر کرده ولی نه دستگیری ۳۷ نفر و نه ۳۷ هزار نفر یحیانی خواهد رسید. این موج ادامه دارد و روز بروز سهمگینتر و خروشان تر میشود. اگر شاه به دستگیری چند گروه دل خوش میدارد دلیل بلاهت اوست. آن گروه‌هایی که کشف نشده اند، آن سازمان‌هایی که روز بروز وسیع تر میشوند و آن عناصر انقلابی که مانند چشمه از زمین میجوشند ثابت خواهند کرد که وقتی خلقی بخروش آمد خاموش شدنی نیست.

دادستان نظامی برای این ۳۷ نفر تقاضای اعدام کرده است. هنوز خون ۵ مبارز انقلابی گروه «آرمان خلق» خشک نشده است، مفتاحی، شهن کریمی اشرف الاندیری و مستوره احمدزاده و هزاران مبارز دیگر در زندانهای شاهند و این وظیفه آن عده‌ای که در بند نیستند و هنوز امکاناتی دارند است که بدفاع از آنها بعنوان یک وظیفه بنگرند. وظیفه ای که کوچکترین احمال در انجام آن معادل خیانت است. این وظیفه است، وظیفه مبارزاتی، وظیفه انسانی. هم اکنون فعالیتی که برای دفاع از آنها صورت گرفته وسعت یافته، دانشجویان فداکار و مبارز ایرانی در پاریس به اعتصاب غذای نامحدود اقدام کردند. عده‌ای به بپارستان اعزام شدند با آگاهی باین که خلق به کوشش‌های آنها نیاز نیاز دارد. این عملیات وسعت خواهند یافت و باید وسعت یابند. هر آزاده‌ای باید در آن شرکت کند. این تنها دفاع نیست. مبارزه است و وظیفه هر مبارزی شرکت در مبارزه.

پیروز باد انقلاب دمکراتیک ملی

یعنی سازمان «فتح» که ادعای وابستگی به ایدئولوژی واحدی را نمیکند تا سازمانهای کوچکتر مانند جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک که خود را مارکسیست - لنینیست میدانند این حقیقت را نشان میدهد. در این سازمانها افراد مستقیا عضو جبهه هستند نه از طریق وابستگی به احزاب طبقاتی. این مسئله یعنی فقدان احزاب طبقاتی تا اندازه ای بعلت ترکیب خاص توده فلسطینی هاست چه بعلت مستقر نبودن در نقطه ای ثابت مناسبات تولیدی مستقل و مشخصی در بین آنها بوجود نیامده و این مناسبات در هر نقطه تابعی بوده است از وضع عمومی کشوری که آنها در آن بسر میبردند و چون اکثریت این مردم سالهای سال در حال سرگردانی در کشورهای مختلف زندگی میکردند - بجز عده خیلی قلیلی از آنها که وضع نسبتا ثابتی از نقطه نظر شغلی داشته اند - بقیه با وجود تعلقات ملی نسبت بیکدیگر جامعه واحد و پیوسته ای را تشکیل نمیدادند و بنا بر این خطوط مشخصی بین طبقات بالقوه آنها ترسیم نشده بوده است. در چنین وضع خاص و استثنائی طبعاً پایه مادی برای صف بندی های ایدئولوژیک در حد توده ای وجود نداشته بلکه در حد قسمتی از قشر روشنفکران محدود مانده بود. پس از جنگ ژوئن ۶۷ و ثبوت عدم کفایت دول عربی و بالتبعیه هجوم ناگهانی توده فلسطینی ها بسوی سازمانهایی که بخاطر جنگ آزاد بپخش توده ای بوجود آمده بودند اکثر فلسطینی ها بدون شناخت ایدئولوژیک سازمانهای موجود بسوی آنها شتافتند - در این هجوم که با سیاست درهای باز سازمانهای موجود توأم بود عده زیادی بصورت تصادفی و یا آشنائی های خصوصی سازمانی را انتخاب کردند و بعد از ورود در این سازمانها بود که مستقیا و با بطور غیر مستقیم تحت تبلیغ ایدئولوژی بنیان گذاران سازمانها قرار گرفتند عده ای ایدئولوژی غالب را پذیرفتند و بعضی آگاهانه و یا نا آگاهانه تحت تأثیر نظریات دیگران باقی ماندند. این وضع سازمانی که کوره مبارزات داغ بود و پیروزی بعد از پیروزی نصیب میشد ظاهراً ایجاد اشکالات عظیمی نکرد گو اینکه با اندکی تعمق مسلم میشد که این وضع قابل دوام نخواهد بود و دیر یا زود بر خورد های ایدئولوژی های مختلف در داخل یکایک سازمانها علنی خواهد شد.

پذیرش طرح راجرز از طرف اکثر دول عربی و اولین شکست در سپتامبر ۱۹۷۰ (که خود هم تا اندازه ای معلول همین وضع بود) عاملی شد برای تشدید این تضاد. سازمان فتح هم از نظر وسعت و فعالیت و هم ناهمگونی ایدئولوژیک برجسته ترین سازمانهای موجود بود. در این سازمان اکثریت مطلق مبارزین فلسطینی مجتمع بودند و طبعاً تعدد ایدئولوژیک عناصر آن از همه سازمانهای دیگر وسیع تر بود. با تحکیم وضع ارجحاع و امپریالیسم و صهیونیسم و از طرفی در اثر مجرب شدن آنها در بر خورد ها و از طرفی بعلت اشتباهات و محاسبات زیاد تر از حد واقع خوشبینانه سازمانها بود که تعداد شکست هارو بافزایش گذاشت و امکانات انقلابیون روز بروز محدود تر گشت. بسیاری از دول عربی که قبلاً با وجود نارضائی باطنی از اوج جنبش فلسطین، بخاطر فریب افکار عمومی مردم کشورهای خود مجبور بدفاع از این جنبش بودند پس از این شکست ها فرصت یافتند که ابتدا باهستگی و بعد بسرعت مواضع اصلی خود را نسبت بجنبش ظاهر کنند و در مقابل آن قد علم کنند. بسیاری از حکومت های عربی محدودیت هائی برای فلسطینی ها بوجود آورده اند که تصور آن یکسال پیش مشکل بود. بطوریکه امروز بجز در رمود چند کشور معدود بقیه دول عربی علا علی جنبش

فلسطین موضع گرفته اند گو اینکه بعضی هنوز در تبلیغات خود از آن حمایت میکنند. این دول سعی میکنند با ایجاد فشار سیاسی، مالی و نظامی جنبش فلسطین را مجبور به پیروی از نظریات خود کنند و بعبارت دیگر از آن بعنوان وسیله و ابزاری در پیشبرد مقاصد خویش استفاده کنند. این روش در گذشته از سال ۱۹۴۹ بعد تا قبل از ظهور جنبش مسلحانه برنامه کار دول عربی بوده و اینبار نیز نقشه آفات همین است ولی یک تفاوت عمده وجود دارد و آن این است که اینبار با مردمی مسلح و مصمم سرو کار دارند که حاضرند تا پای جان مبارزه و مقاومت کنند. در افتادن مستقیم و مسلحانه با این مردم بعده دول کاملاً ارجحاعی عربی گذاشته شده ولی دول دیگر که نقاب ترقی بچهره زده اند بطریقی دیگر و شاید خطرناک تر عمل میکنند و آن استفاده از تضاد ها و تزلزل های درون جنبش فلسطین است.

با طولانی شدن مبارزه، تشدید، سخت تر شدن و منفرد تر شدن، عناصر و طبقات متزلزلی که تاکنون در درون جنبش مجبور بمرکت همراه با جریان بودند کم کم تزلزل خود را آشکار تر کردند. این امر در مورد همه انقلاب های جهان صادق بوده و جنبش فلسطین نیز از این جهت استثنائی نبوده است. این تزلزل در داخل سازمانها بصورت پولاریزه شدن رهبری جلوه گر شد. عده ای مایل به توقف و تسلیم در مقابل فشار ها شدند و عده ای مصمم بادامه مبارزه تا بآخر. در درون هر یک از سازمانهای عمده جنبش این قطبی شدن در زمانهای مختلف و بشدت های مختلف علنی شد و امروزه که نیروهای فلسطین از طرف کشورهای عربی از همیشه بیشتر تحت فشار گذاشته شده اند این پدیده از همیشه آشکارتر است. نیروهای متزلزل تمام قدرت خود را با همکاری دول ارجحاعی برای تعهد در مقابل تصمیمات کنفرانس وزرای خارجه عرب و کنفرانس جده، یعنی کنفرانسی که در حقیقت بخاطر نوعی کنار آمدن با ملک حسین بود بکار بردند و در عوض نیروهای مترقی هر نوع همکاری با ملک حسین را نا صحیح و مغایر با اصولی میدانند که جنبش فلسطین بر اساس آنها بمرکت در آمده است.

عدم کار خلاق سیاسی در بین توده های عرب، دورویی های بسیاری از رژیم ها، توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم از عواملی هستند که باعث شده جنبش - حد اقل دفاعی - که انتظار میرفت در بین خلق عرب بدفاع از فلسطین بوجود آید بتهویق افتد و تا امروز بمقیاس قابل لمس در نیاید و نوعی جدائی، ولو موقت و نسبی، بین جنبش فلسطین و جنبش خلق عرب بوجود آید. این امر یعنی منفرد کردن جنبش فلسطین و ورود ضربات متعدد از طرف دشمنان دوست نما بزرگترین پیروزی ارجحاع بوده است. در چنین حالی است که تصمیمات رهبری جنبش، یعنی مقاومت و یا تسلیم در مقابل فشار های دول عربی، میتواند بکلی مسیر جنبش را برای مدتها عوض کند. کوچکترین اشتباه در این لحظه بقیعتی بس گران برای خلق فلسطین و همه خلق های خاور میانه تمام خواهد شد. مقاومت، یعنی مبارزه رو در رو با نیروهای ارجحاعی همه دولی که فدائیان در آنجا مبارزه میکنند یعنی اسرائیل، اردن، لبنان و سوریه امری است عظیم، تصمیمی است خطیر. ولی خلق فلسطین، فدائیان دلور از جان گذشته آن نشان داده اند که آماده همه گونه فداکاری هستند. از طرف دیگر کوچکترین اشتباه و لغزش، یعنی رکود جنبش برای سالهای سال.

ما مطمئن هستیم که خلق قبرمان فلسطین آن رهبران و عناصری را که سازشکار و متزلزلند از خود طرد خواهد کرد و با عزمی راسخ در مقابل امپریالیسم، صهیونیسم و ارجحاع بنبرد عادلانه خود تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد.

بر ذمه
است
بین
اسلام
ضد
مال
پی
ایران
زنداد
حاکم
در
اسلام
حقا
با
پیکه
چپا
کر
قدم
خود
بر
واس
نیست
وهم
خده
وقوا
این
خان
اعلا
عمار
نادی
چار
خص
کش
حض
خدا
ملت
انا
والد

است و مشخص. ولی برای آنها که فریب نیکخواه نمیخورند و نه تنها مبارزه با رژیم ادامه میدهند بلکه مسلحانه را شیوه اصلی مبارزه میشناسند گردان حامیان شاه قدره بندگان را علم میکنند که با ارتکاب ترین اعمال تحت عنوان مبارزه مسلحانه مردم را نسبت ماهیت مبارزین و روش آنها بدبین کنند. تحت چنین پنهانیان و مراد کار خود را شروع کردند و پس اسمی هم برای خود تراشیدند. «جبهه متحد ملی» که نه عضوی دارد نه پایه ای و نه نیروئی. جبهه ای هیچ سازمان سیاسی را میشناسد (بجز حزب توده) و نه آژن، و آنگاه پشت این ماسک کاذب و متقلبانه روز منتشر میکنند بنام «راه اتحاد». سراسر این روز است از تمهت به مبارزین ایران، به سازمانهای دروغ گوئی و نشر اکاذیب، بعبارات دیگر «راه» است بتمام معنی کلمه.

اینان با وابسته نشان دادن خود بجهه ملی و مواردی تماس با گروه ها تحت این نام به ننگین ترین دست میزنند. با تظاهر بدفاع از کنفدراسیون وانفود که از نظر مالی بکنفدراسیون کمک میکنند. بیجای نام مصدق در هر عبارتی سعی میکنند آبرو خود کسب کنند و بیکباره فراموش میکنند که مصدق را بدستور ارباب دشنام میداده اند.

تحت عنوان مبارزه مسلحانه هر فرد نا آگاه و غیر را که بیابند مسلح میکنند و چنین وانفود میکنند آنها و حکومت شاه اختلافی است. بیپوده نیست گروه نه تنها قبل از کوچکترین اقدامی یا تسلیم دستگیر بلکه عملیات انقلابیون مبارز را نیز مواجه با فراوان و غیر ضروری میکنند و تعجب آور نخواهد تعداد افرادی که در این ماجراها کشته شده اند کسانی نباشد که مستقیماً توسط رژیم ایران نابود شده

جنایتی که از اعمال فوق کمتر وحشت آور نیست با افرادی است که بخاطر تعقیب پلیس شاه مجبور به شدن از ایران میشوند. در چندین مورد با افرادی که همکاری با آنها نشده اند به شدیدترین وجه رفتار کرده از جمله این موارد مسئله علی چهار محالی عضو سابق کنفدر است که پس از مدتی اقامت در ایران چند ماه قبل از خارج میشود و بچنگ اینان می افتد. باند پنهانان مدتها وجود اورا بکلی کتمان میکنند و سپس در مقابل های مداوم ما برای آزادی وی بانواع حیل متوسل به و کارشکنی میکنند.

ما مسئله آزادی فوری و بی قید و شرط چهار محالی به قاطع ترین شکل باطلاع دولت عراق رسانیده ایم و مورد از هیچ اقدامی قرو گذار نخواهیم کرد. و همچنین خواسته ایم ترتیبات مقتضی برای جلوگیری از سوار های باند پنهانان - مراد در همه زمینه ها داده شود و داده نشود که عده ای جاه طلب و سودجو و خرابکار هم برای تبلیغات بدست رژیم شاه بدهند و بیش از این به ایران و نیروهای مترقی خاور میانه صدمه بزنند.

ما بعنوان یک سازمان سیاسی مسئول از بدو شروع فعالیت سیاسی خود در این منطقه با چنین عناصری کرده ایم و اکنون وسیع تر از همیشه این مبارزه را از جهات تشدید خواهیم کرد و مطمئن هستیم همه نیرو مترقی از ما پشتیبانی خواهند کرد.

خاطره‌ای از ابو عباس

نقل از نشریه فتح
۲۴ نوامبر ۱۹۷۱

از ایران به کوههای اردن و بالعکس

نمیدانم سر « ابو عباس » چه وقت از فراز یکی از بارهای ایران بهائین آورده شد ولی این را میدانم که چهره ابو عباس در آن هنگام میدرخشید و چشمهایش باز بود؛ اینها هم میدانم که « ابو عباس » در چشمها و دلهای بسیار کسان در فلسطین و ایران همواره حضور دارد...
در اواخر سال ۶۹ شناختمش؛ در دره‌ی شمالی اردن؛ با روانی آمیخته با لهجه شیرینی بعبری سخن میگفت؛ از دهکده « طیه » تا « شونه » با هم راه پیمودیم... « از فلسطین و ایران و از انقلاب و انسان سخن گفتیم و پیش از آنکه راه به پایان رسد بخوبی با هم دوست شده بودیم... »

یکبار باو گفتم؛ « ابو عباس » راجع به تو خواهم نوشت؛ تبسمی در چهره آسائیش درخشید و در حالیکه فنجان چای در دستش بود پیش از آنکه بنوشد گفت: « عزیز من؛ محبوب خلق (حبیب الشعب بالهجه فارسی)؛ اگر راه انقلاب را انتخاب نکرده بودم؛ حالا در خانه آرام نشسته بودم و اگر خود را از مردم جدا کرده بودم همیشه مست بودم. اما حالا؛ با انقلابیون فلسطین همراهم؛ و از طریق پیکار با دشمنان آنها با دشمنان خلقم میجنگم؛ دشمنان خلقها در جبهه‌ی واحدی قرار دارند... »

« ابو عباس » سکوت کرد؛ فنجان چای را به لب نزدیک کرد و در حالیکه با دستهای آرام به شانه‌ام میزد گفت « راجع به من چیزی ننویس؛ جاسوسان شاه در اردن فراوانند؛ بهتر است چیزی ننویسی » ولی بعد از چند روز روزنامه‌ای را باو نشان دادم که از او سخنی آمده بود بنام ابو سعید و بدون ذکر نام کشورش.

« ابو عباس » را دو هفته ندیدم؛ فدائیان از مسئول اطاق عملیات؛ مسئول کاردان، محبوب و با هوش خود سراغ میگرفتند؛ فرمانده گروه تبسمی میگرد و چیز نمیگفت. « ابو عباس » پیدایش شد، رفقا را در بغل گرفت و بعد یکسره باطاق عملیات رفت و ۲۴ ساعت در راه بروی خود بست، بدون آب و غذا، سر انجام در راه باز کرد و ما را بداخل فرا خواند، هرگز نمیتوانم آن منظره را فراموش کنم در جلوی « ابو عباس » نقشه‌ای بود برجسته از گچ « ماکت » متعلق به قسمت اعظم منطقه غور شمالی اردن و در حالی که رفقا آنرا با تعجب نگاه میکردند صدای او را شنیدیم که میگفت « اکنون عملیات شروع میشود. از کیبوتز « اربینیا » شروع میکنیم، اینجاست خوب دقت کنید...) و پس از چند روز سلسله عملیات معروفی که بنام « شهید عبد الفتاح عیسی محمود » نامیده شد انجام گردید، عملیاتی که در آن برای اولین بار کیبوتز اربینیا تصرف شد.

انقلابیون ایران فعالیت خود را از سر میگیرند و یکبار دیگر ابو عباس از دیده‌ها پنهان میشود و غیبت او بطول می‌انجامد ولی پیکار گران تحمل غیبت او را ندارند، نگران

اعلامیه سازمان بین‌المللی حقوق دانان

دموکرات

سازمان بین‌المللی حقوق دانان دموکرات علیه موج فشار مه‌جانبه یخبش رشد یابنده اپوزیسیون در ایران اعتراض میکند.

طبق اطلاعاتی که اخیراً توسط آقای ژودل و کیل دعوی پاریس کسب شده هیچ خبری نمیتوان از ۳۷ نفری که در جریان ماه‌های گذشته دستگیر شده‌اند بدست آورد. این افراد مطلقاً مخفی نگهداشته شده‌اند و بیم آن می‌رود که عده‌ای از آنها زیر شکنجه شهید شده باشند. در ایران زندانیان در حبس احتیاطی مدت نامحدود تحت کنترل هستند، بدون اینکه بتوانند با وکیل یا خانواده خود تماس داشته باشند. محاکمه عملاً پشت درهای بسته در دادگاه نظامی صورت میگیرد. در این دادگاه برای متهمین از طرف دادستان ارتش « وکلای نظامی » تعیین میگردد. سازمان بین‌المللی حقوق دانان دموکرات علیه این تجاوزات بابتدائی ترین آزادهای سیاسی و فردی اعتراض میکند و از حقوق دانان در خواست میکند برای نجات جان ۳۷ نفر از مرگ، صدای اعتراض خود را بلند کنند.

بروکسل ۹ نوامبر ۱۹۷۱

مصاحبه مطبوعاتی

روز ۲۳ نوامبر از طرف نماینده جبهه ملی مصاحبه مطبوعاتی‌ای در قاهره ترتیب داده شد. در این مصاحبه جنایات شاه و شرایط ترور و خفقان حاکم بر ایران توضیح داده شد و خبرنگاران بطور خاص در جریان دستگیری گروه ۳۷ نفر و امور دفاعی مربوط به آنان قرار گرفتند.

متن اعلامیه آیت اله خمینی

در صفحه ۳ مندرج است

نشانی پستی P.O. Box 7229 Beirut, Lebanon	نشانی بانکی Chase Manhattan Bank Beirut, Lebanon Account L-13896
بهبه ایران ۲ رستبان لبنان ۱۶ فربش عراق ۱۰ فلس کویت ۱۰ فلس ترکیه ۲۵ فروش	

حالش هستند و جمله محبوب خلق « حبیب الشعب » ورد زبان هاست.

چند روز پیش خبر قدیمی را شنیدیم که مزدوران شاه علی اکبر صفائی فراهانی « ابو عباس » مبارز را دستگیر و اعدام کرده‌اند. درست همانگونه که جلال‌الدین عیان سعید ابراهیم شهید و رفقایش را اعدام کردند... آیا ابو عباس نمیگفت « دشمنان خلق‌ها در جبهه واحدی هستند؟ »

از « فتح » نشریه مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین شماره ۳۱۲ چهارشنبه ۱۷ نوامبر ۱۹۷۱

خطاب به اتحادیه عمومی حقوقدانان عرب

آزادی در این دنیا تجزیه پذیر نیست...
و آزادیخواهان و مبارزین هر کجا که هستند از طریق تجاوزگران و دشمنان آزادی هر روز مورد وحشیانه‌ترین اشکال شکنجه و ترور و تعقیب قرار میگیرند، و وضعیت همانطور که در زندانهای صهیونیستهاست همانطور زندانهای دار و دسته خونریز و خونخوار در اردن میانم در ایران هم آزادیخواهان در زندانهای شاه با کشتار شکنجه تا حد مرگ مواجه میباشند. و تا کنون تعداد زیادی از زندانیان در اثر شکنجه و وحشیانه بقتل رسیده‌اند.
با توجه به این امر تعدادی از مبارزین ایرانی برای دفاع از این مبارزین با اتحادیه حقوقدانان عرب تماس گرفته‌اند و « فتح » با این برادران مبارز هم آواز میشود. ما مطمئنیم که اتحادیه عمومی حقوقدانان عرب که پیوسته استواری به دفاع از مبارزین در هر کجا که بوده‌اند برخاسته است و امروز هم به پشتیبانی و دفاع از این آزادگان زندان شاه برخاسته است.

بیانیه اتحادیه حقوق دانان عرب

درباره سرنوشت مبارزان ایرانی در زندانهای تهران هیأت حاکمه ایران اخیراً مهندس سعید محسن و سایر دیگر از آزادگان ایران را دستگیر کرده و آنها را بدین گونه‌ای که دلیل قانونی و برخلاف ابتدائی ترین اصول و حقوق انسانی به زندانها و سیاهچالهای تهران انداخته است. از ماه اوت گذشته نسبت باین زندانیان مبارز شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روانی اعمال شده و شرافت انسانی آنان در معرض زشت‌ترین توهینها قرار گرفته است؛ اینها بخاطر آنست که این مبارزان آزاده علیه امپریالیسم صهیونیسم مبارزه کرده‌اند و بانقلاب فلسطین همبستگی داشته‌اند.
اتحادیه حقوق دانان عرب که به وحدت مبارزه انسانی علیه امپریالیسم و صهیونیسم و همدستان آنان ایمان دارد؛ - کلیه سازمانهای دموکراتیک بین‌المللی و ملی و کلیه گروهها و احزاب پیشرو و همه آزادگان و عدالتخواهان سراسر جهان را فرا میخواند که بمنظور نجات جان این آزادگان و حرمت انسانی و حقوق ملی و اساسی آنان بخاطر تامین حقوق انسانی آنها و تامین حق دفاع از خود در مورد دستگیری و بازجویی و محاکمه؛ کلیه کوششها و امکانات خود را بکار اندازند.
- از همه سازمانهای حقوقی بین‌المللی و ملی میخواهد که کلیه امکانات خود را بکار برند تا محاکمه قانونی و علنی برای این مبارزان فراهم شده بتوانند در بطور کامل از خود دفاع کنند و حقوق دانان بین‌المللی بمنظور مدافع و ناظر در آن شرکت نمایند.
- اتحادیه حقوق دانان عرب اعلام میکند که وظیفه مقدس دفاع از این مبارزان ایرانی را بهعهده گرفته تصمصم با همکاری اتحادیه‌ها و سازمانهای حقوقی بین‌المللی و برای دفاع از این مبارزان در برابر هیأت حاکمه ایران و مدافع بفرستد.

شفیق ارشیدات
دبیر کل اتحادیه حقوق دانان

برای رهائی زندانیان سیاسی از زندانهای شاه متحداً مبارزه کنیم